

بسمه تعالی

طرح پیشنهادی پژوهشی

«علل کلان کاهش نرخ باروری در ایران»

پرسش تحقیق و اهمیت آن: نرخ باروری بر اساس آمارهای موجود از دهه هفتاد شمسی با شیئی تند شروع به کاهش کرد. علت کلان این کاهش چیست؟ اهمیت پاسخ به این پرسش در آن است که به ما نشان می‌دهد جامعه ایرانی نسبت به چه نوع اقداماتی واکنش مثبت نشان داده و نرخ زاد و ولد خود را کاهش داد. امری که پیش از آن جامعه ایرانی بسیار نسبت به آن مقاومت نشان می‌داد. پاسخ این سؤال، این شناخت را به ما می‌دهد که اگر قرار باشد سیاست معکوس برای افزایش زاد و ولد اتخاذ گردد، می‌بایست روی کدام قسمت یا قسمت‌ها انگشت گذاشته شود و چه نوع مداخله‌ای برای رسیدن به این هدف باید صورت گیرد؟

فرضیه‌های تحقیق: چند فرضیه مطرح در پاسخ به این سؤال وجود دارد:

۱. فرضیه قانون: یکی از اولین پاسخ‌ها، تصویب قوانین جهت کاهش نرخ باروری در کشور بوده است. این موارد شامل:

ا. تصویب و اجرای قانون تنظیم خانواده از دهه هفتاد

ب. هدف‌گذاری برای کاهش نرخ باروری در برنامه اول توسعه

ج. اقدامات تکمیلی دولت، به ویژه مرتبط با وام بانک جهانی برای کاهش نرخ باروری از حدود سال‌های

۱۳۷۳

۲. فرضیه اقتصادی-معیشتی: مشکلات معیشتی مانند:

ا. بیکاری

ب. تورم

ج. افزایش هزینه مسکن

د. قطع پرداخت‌های اقتصادی دولت که مبتنی بر بعد خانوار بوده است؛ مانند کوپن و واگذاری زمین

باعث شد تا والدین از آوردن فرزندان بیشتر پرهیز کنند. این مشکلات با افزایش دادن سن ازدواج، تأثیر غیرمستقیم بر نرخ زاد و ولد داشته‌اند.

۳. فرضیه فرهنگی: تحولات فرهنگی، افزایش فردگرایی خودخواهانه و تغییر سبک زندگی به سمت اولویت موفقیت

تحصیلی و حرفه‌ای باعث شده تا پرورش و تربیت فرزند به عنوان اولویت‌های بعدی جوانان مطرح شده و لذا حداکثر

به یک یا دو فرزند بسنده کرده و یا آن‌که اساساً سراغ فرزند نمی‌روند. از عوارض این طرز تفکر، تأخیر در ازدواج

است که خود از علت‌های مستقیم کاهش نرخ باروری است. اولویت قرار گرفتن تحصیلات در میان دختران نسبت به پسران، تأثیر بیشتری در کاهش نرخ باروری دارد.

۴. فرضیه اجتماعی: شیوه زندگی به گونه‌ای تغییر کرده که به والدین اجازه داشتن فرزندان زیاد را نمی‌دهد. از جمله این‌ها افزایش اشتغال زنان است که حضور در محل کار و گرفتاری‌های آن امکان زمان گذاشتن برای نگاه‌داری از فرزندان را از آن‌ها می‌گیرد. یکی از دلایل جدی افزایش این نوع شیوه زندگی، افزایش نرخ شهرنشینی از ۳۰ درصد به ۷۰ درصد طی سه دهه اخیر است. شهرنشینی برای افراد گرفتاری‌ها و اشتغالاتی فراهم نموده که امکان داشتن فرزندان بیشتر را از افراد می‌گیرد. هر فرزند، نه تنها هزینه دارد، بلکه گرفتاری دارد. یعنی والدین به عسر و حرج می‌افتند. هر فرزند، مدرسه می‌خواهد، پزشک می‌خواهد، لباس می‌خواهد، تفریح می‌خواهد و... در روستاها و شهرهای کوچک پیش از این تفریح فرزند در کوچه و خیابان بود، الان باید کلاس ورزش بفرستند و این هم وقت می‌خواهد هم هزینه. به این ترتیب فرزند در شهرها، نیازمند هزینه و زمان بیشتر است و لذا والدین فرزند کم‌تر فرزند می‌آورند.

سهم هر یک از عوامل چهارگانه فوق در تحولات نرخ باروری در ایران، راهنمای ما در سیاست‌گذاری افزایش آن خواهد بود. به فرض اگر عوامل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نقش چندانی در کاهش نرخ باروری در کل کشور نداشته‌اند، و بیشترین سهم را تصویب و اجرای قوانین مربوطه داشته است، می‌توان نتیجه گرفت، تصویب قوانین معکوس می‌تواند روند باروری را در ایران به مسیر افزایش بازگرداند. اما اگر عوامل فرهنگی برجسته باشند، در آن صورت حتی برداشتن محدودیت‌های قانونی افاقه نخواهد کرد و برنامه افزایش باروری، برنامه فرهنگی پیچیده‌تر، طولانی‌تر و ظریف‌تری خواهد بود. در مجموع نتیجه این بررسی، جنس و ترکیب سیاست‌های مؤثر افزایش نرخ باروری در ایران را نشان خواهد داد.

خروجی: خروجی نهایی کار به این صورت خواهد بود که برای بررسی هر یک از فرضیه‌های فوق، یک یا چند گزارش مستقل تهیه خواهد شد. بعد از اتمام کلیه گزارش‌ها، مجموعه آن‌ها در قالب یک کتاب تحلیلی با عنوان «ریشه‌های کاهش نرخ باروری در ایران» بازنویسی و منتشر می‌شود، ان شاء الله.